

کارویژه وزارت اطلاعات در نگاه حقوقی



● جناب حجت الاسلام و المسلمین باقری ضمن تشکر از عنایت جنابعالی برای این مصاحبه، رشته کلام را با شرح مختصری از وزارت اطلاعات و وظایف آن بگشایید.

برای پاسخ به این سؤال باید به سابقه شکل گیری وزارت اطلاعات باز گردیم. بدون تردید هیچ نظامی بی نیاز از یک سیستم و دستگاه اطلاعاتی نیست. وجود ساواک یعنی «سازمان اطلاعات و امنیت کشور»، در رژیم گذشته و جنایات فجیع و ضدانسانی که این سیستم در حق مردم عدالت خواه و آزاداندیش و توده های متدین مردم انجام می داد، یک ذهنیت منفی نسبت به دستگاه اطلاعاتی ایجاد کرد به طوری که رژیم شاه مجبور شد در پایان عمر خود آن را منحل اعلام کند و تا چند سال بعد از پیروزی انقلاب کسی حاضر به بازسازی آن نبود و از آنجا که هیچ نظامی بدون سیستم اطلاعاتی امکان گردش روان امور و مقابله با تهدیدات را ندارد، لذا در سالهای اولیه انقلاب به صورت خودجوش، نهادهای متعددی شکل گرفت که مسئولیت و وظیفه کار اطلاعاتی را به عهده داشتند.

عمده ترین و شاخص ترین آنها یکی در نخست وزیری بود که بیشتر به کار اطلاعات خارجی و مسایل ضدجاسوسی می پرداخت. واحد اطلاعات سپاه هم به عنوان یک نهاد برخاسته از دل انقلاب و تدبیر انقلابیون شکل گرفت. کمیته های انقلاب و دادستانی انقلاب نیز به کارهای اطلاعاتی می پرداختند. نیروی انتظامی هم که از قبل واحدهای اطلاعاتی داشت و بعد از انقلاب هم به کار خود ادامه داد. به هر صورت کار اطلاعاتی در واحدهای مختلفی پراکنده بود تا نهایتاً به سمت ایجاد

تمرکز در کار اطلاعاتی و سامان دادن به مجموعه فعالیت هایی که به صورت پراکنده صورت می گرفت پیش رفتیم.

در سال ۱۳۶۲ قانون تأسیس وزارت اطلاعات در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در سال ۱۳۶۳ نیز وزارت اطلاعات رسماً شروع به کار کرد. نکته قابل توجه این است که با شکل گیری وزارت اولاً، یک نوع حرکت از سمت پراکندگی و تشتت به سمت «تمرکز» رفت و در واقع محوریت در کار اطلاعاتی ایجاد شد. ثانیاً، سیستم اطلاعاتی از شکل «سازمان» به «وزارت اطلاعات» تبدیل شد و این معنایی کاملاً همسو با اهداف انقلاب داشت و حاکی از نگاهی بود که انقلابیون به نوع حکومت و مسئولیت های سیستم اطلاعاتی داشتند. ثالثاً، امنیت (به معنای بخش عملیاتی) از سیستم اطلاعاتی جدا شد.

این از آن جهت بود که از امتزاج قدرت اطلاعاتی (که نوعاً هر جا اطلاعات باشد قدرت هم آن جاست) با توان عملیاتی جلوگیری شود تا جلوی سوءاستفاده احتمالی از اطلاعات و به کارگیری آن در جهتی غیر از سیاست های کلان کشور گرفته شود. سیستم اطلاعاتی را در قالب ساختار وزارتی تعریف کردند تا اولاً، در برابر مجلس پاسخگو باشد و ثانیاً، سیاست ها، برنامه ها، کارکردها و بودجه آن، از شفافیت کافی برخوردار باشد و ثالثاً، در خدمت اهداف کلان نظام باشد نه در خدمت یک فرد خاص (چه رئیس جمهور، چه نخست وزیر، چه وزیر کشور و

* گفتگو با معاونت پیشین حقوقی و امور مجلس وزارت اطلاعات، این مصاحبه در زمان فعالیت حجت الاسلام و المسلمین باقری به عنوان معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت اطلاعات انجام شده است.

غیر اینها).

در هر حال این تدبیر قانونگذار از یک طرف ناشی از آن بدبینی هایی بود که از سیستم اطلاعاتی گذشته در اذهان وجود داشت و از طرف دیگر ناظر به آن اهدافی بود که از حکومت اسلامی و نظام اسلامی مدنظر قانون گذاران و متولیان اصلی انقلاب و حکومت در آن مقطع بود. آنها حکومت را وسیله ای برای خدمت به مردم و تسهیل جریان امور می دیدند نه ابزاری برای سلطه بر مردم یا زورگویی به مردم و لذا همه تمهیدات اندیشیده شد تا ساختارها طوری شکل بگیرد که هیچ نوع خللی به آزادی، امنیت، عدالت، آسایش روحی مردم و بهداشت روانی جامعه وارد نشود. اگر به قانون وزارت اطلاعات که در سال ۶۲ تصویب شد مراجعه شود در آن جا کاملاً این مطلبی که عرض می کنم گویاست. به علاوه در آیین نامه هایی که براساس آن قانون تدوین و تصویب شده، هم وظایف سیستم در آنجا کاملاً مشخص است هم مرزهایی که وزارت خانه موظف است آن مرزها را حفظ بکند، از جمله نوع مناسبات این سیستم به عنوان سیستم مادر با واحدها و دستگاه هایی که کار اطلاعاتی در حوزه تخصصی خودشان دارند.

● با این توضیحات، وزارت اطلاعات با مقوله امنیت چه نسبتی پیدا می کند؟

نسبت اطلاعات با امنیت روشن است. هدف سرویس اطلاعاتی، تأمین امنیت در کلیه سطوح می باشد. هیچ امنیتی نیست که بر پایه اطلاعات استوار نباشد. تنها از رهگذر اطلاعات دقیق و همه جانبه از توطئه های دشمن، از طرح های پنهان و دسیسه هایی که ممکن است برای براندازی نظام یا اختلال در بخشی از اهداف و سیاست های نظام صورت بگیرد، امنیت تأمین می گردد. بحث ما این است که در ساختار وزارتی اقدام عملیاتی عمدتاً به عهده واحدهایی مستقل از وزارت اطلاعات گذاشته شده است.

البته در طول زمان و به حسب ضرورت با مجوزهایی که در زمان حیات مبارک حضرت امام (ره) از ایشان و بعد از آن هم از سوی مقام معظم رهبری در اختیار وزارت گذاشته شد، در پاره ای از مواقع وارد عرصه های عملیاتی نیز شده ایم ولی به صورت کلان و ساختاری، بخش عملیاتی، مستقل از وزارت اطلاعات طراحی شده و پی گیری می شود. ● اتفاقاً نکته مطرح همین است. ذهنیتی که وجود دارد این است که

هدف سرویس اطلاعاتی، تأمین امنیت در کلیه سطوح می باشد. هیچ امنیتی نیست که بر پایه اطلاعات استوار نباشد. تنها از رهگذر اطلاعات دقیق و همه جانبه از توطئه های دشمن، از طرح های پنهان و دسیسه هایی که ممکن است برای براندازی نظام یا اختلال در بخشی از اهداف و سیاست های نظام صورت بگیرد، امنیت تأمین می گردد

وزارت اطلاعات وارد مقوله عملیاتی امنیت هم می شود. این را یک حالت استثناء می بینید؟

ما مدتها با مقوله ای به نام تروریسم مواجه بوده ایم. برخورد با تروریست ها تصمیم لحظه ای و قدرت اقدام لحظه ای لازم داشت. ما موظف بودیم که اطلاعات مربوط به خانه های تیمی، اهداف، برنامه ها و امکاناتی که تروریست ها در اختیار داشتند را گردآوری کنیم و در اختیار نیروهای عمل کننده قرار دهیم. ولی گاهی نیروهای ما در صحنه با این ها روبرو می شدند. در آن حالت نمی توانستند اقدام را متوقف کنند تا مثلاً با نیروی انتظامی یا با سپاه هماهنگی شود. مجبور بودند که

خودشان دست به سلاح ببرند و برخورد کنند. برای اینگونه موارد ما مجوزهایی داشتیم و براساس آن مجوزها بخشی از نیروها به کارهای عملیاتی هم می پرداختند.

● آیا سعی شده که از این ضرورت ها تعریف دقیق و مشخصی صورت گیرد و در قالب قانون پیش بینی شود یا به این مجوزهای خاص اکتفا شده است؟

آن چه تاکنون هم انجام گرفته در چارچوب های تعریف شده ای بوده است. منتها برای انسجام بیشتر، چند سال قبل لایحه ای تهیه شد. انگیزه همین مسأله بود که مجوزهای مزبور را به متن قانون تبدیل کنیم که با وضعیتی که در آن فضا پیش آمد، این لایحه پس گرفته شد. امیدواریم در یک فضای مناسبتری بتوانیم برخی از کاستی هایی که نیاز به اصلاح دارد را با کمک مجلس شورای اسلامی و مسئولین امر جبران نماییم.

● با تعریفی که شما از خطر دارید آن چیزی که اساس یک حکومت و نظام را به خطر می اندازد آیا شاخص های عینی مشخصی دارد یا صرفاً برحسب برداشتهای ذهنی شخصی است؟

تعریف خطر برحسب شرایط و موقعیتی که کشور از لحاظ سیاسی و اجتماعی در آن قرار دارد و همچنین برحسب موقعیتی که از جهت تثبیت یا عدم تثبیت نهادهای حکومتی در کشور وجود دارد و نوع نگاه دشمنان به این کشور، تفاوت می کند.

مسلماً کشوری که سال های نخستین شکل گیری اش را سپری می کند و هنوز نهادهای حکومتی کاملاً نهادینه و تثبیت نشده و جا نگرفته اند و شناخت کافی روی نیروهایی که در گوشه و کنار کشور قدرت و امکانات در اختیار دارند وجود ندارد، خطر را یک طور تعریف می کند.

در حالی که وقتی کشور به یک ثبات نسبی می رسد و از جهت ساختارهای حکومتی از یک نوع اطمینان خاطر برخوردار می شود و نسبت به نیروهای در اختیار از این اطمینان برخوردار می شود که در کلان به او خیانت نخواهند کرد، طبیعتاً با خطراتی که او را تهدید می کند با مدارای بیشتری روبرو می شود و در واقع «آستانه تحمل پذیری» آن افزایش خواهد یافت، مثلاً کشوری که یک زندگی عادی در آن جریان دارد خطر را یک طور تعریف می کند، در حالی که کشور دیگری که با دشمنان کینه توزی روبرو است که با همه وجود تلاش می کنند از هر راه ممکن حکومت را دستخوش سرنگونی و براندازی قرار دهند، طبیعتاً مجبور است با هوشیاری و احتیاط بیشتری با موضوع برخورد کند.

در هر حال، بر حسب میزان قدرتی که یک حکومت در خودش احساس می کند و پایگاه مردمی و اقتداری که از آن برخوردار است، آستانه تحمل پذیری اش در برابر خطرات بیشتر می شود و حساسیت کمتری نسبت به حرکت هایی که در جهت مخالفت یا ایذاء و ایجاد مزاحمت برای جامعه و مردم می شود از خود بروز می دهد.

● به نسبت این تغییر و تحولی که به هر حال بعد از انقلاب به آن رسیده ایم و الان شاهدش هستیم و این که الان به این ثبات رسیده ایم. نوع فعالیت وزارت اطلاعات چه تفاوتی نسبت به سال های اول انقلاب کرده است؟

حرکت وزارت اطلاعات یک روند صعودی و رو به رشد داشته، هم از جهت نوع فعالیت ها و حرفه ای تر عمل کردن و هم از جهت عرصه های فعالیت که به فراخوز نیاز دوره های مختلف از انعطاف برخوردار بوده است. یعنی در شرایط توسعه اقتصادی یا توسعه سیاسی و یا در شرایطی که ما در جنگ و یک نبرد نابرابر سنگین به سر می بردیم یا در دوره ای که کوچه به کوچه و خیابان به خیابان با تروریست ها روبرو بودیم، نوع جهت گیریها متفاوت بود. چرا که مطالبات و انتظارات از سیستم اطلاعاتی در شرایط مختلف فرق می کند. البته یک طیف از فعالیت های وزارت ثابت است، مثل نگاه امنیتی به بیگانگان و گروه های برانداز نظام که انعطاف درباره آنها به معنای عمل حرفه ای تر و بهره گیری از شیوه های نوین و روزآمد اطلاعاتی می باشد.

● چالش‌های حقوقی دفاع از امنیت نظام و حفظ حقوق شهروندی را چگونه می‌بینید؟

در یک چنین جامعه‌ای طبعاً ما با یک سلسله چالش‌های جدی روبرو هستیم. چرا که حفظ حدود قانونی و حقوق شهروندان و در عین حال دفاع از کیان حکومت و تمامیت نظام و جلوگیری و مقابله با عواملی که مزاحمت برای امنیت و آسایش خاطر مردم ایجاد می‌کنند، مسؤلیت سنگینی است که به عهده سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی است. به خصوص معاونت حقوقی و امور مجلس بیشترین تلاش را دارد که از یک سو حقوق مردم در کشاکش فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی ضایع نشود و از این حقوق دفاع کند و از سوی دیگر از حقوق نظام که باز هم به گونه‌ای حقوق تمامیت مردم است، دفاع کند و مانع از این شود که مختصات دوران توسعه ضربه‌ای را متوجه کیان و تمامیت نظام یا بخش‌های عمده نظام کند. در بعد عملی نیازمند شفاف سازی با رفع خلاءهای موجود به وسیله برخی پیشنویس‌های قانونی هستیم که انشاءالله این چالش را به نفع مردم و نظام توأمان پشت سر خواهیم گذاشت. چرا که دفاع از امنیت نظام و رعایت حقوق شهروندی هر دو در یک راستا می‌باشد و در واقع هدف از تأمین امنیت نظام، در نهایت حفظ حقوق شهروندی است و به عکس، تحقق حقوق شهروندی بدون وجود امنیت میسر نمی‌باشد.

● در مواقعی که بین این دو مسأله توأمان «حقوق شهروندان و حقوق حکومت» تعارض پیش بیاید کدام مقدم است؟

ما قائل به این تعارض نیستیم. ما معتقدیم که انسان به عنوان یک انسان و یک فرد، از نوعی اصالت و حقوق قطعی برخوردار است و هیچ عاملی نباید مانع حفظ این ارزش و اصالت باشد. از این طرف جامعه هم به عنوان جامعه از نوعی اصالت برخوردار است و رعایت حقوق جامعه هم به گونه‌ای غیرمستقیم، رعایت حقوق تک تک آحاد ملت محسوب می‌شود.

بنابراین رعایت توأمان «حقوق جامعه» و «حقوق فرد» به منزله دو بال لازم برای یک حرکت متعادل و متوازن، ضرورت همه زمان‌ها است و اعتقاد و سعی ما بر این بوده و هست که هیچ نوع تضاد و تنافی بین رعایت این دو دسته از حقوق به وجود نیاید. ولی به اقتضای حکم عقل و «قاعده اهم و مهم» اگر جایی تضاد جدی بین حقوق فرد و اجتماع وجود داشته باشد، مسلماً حقوق جمع مقدم خواهد بود. البته، نه همانند حکومت‌هایی که اصالت را به جامعه می‌دهند. با این حال، این موارد کمتر ممکن است اتفاق بیفتند.

● ذهنیتی که درباره کسب‌خبر و اطلاعات هست، احتمال عدم رعایت حرمت شهروندان و عدم رعایت حریم خصوصی آن‌ها است. آیا واقعاً وزارت اطلاعات با دقت نظر بر روی این حقوق مردم به دنبال کسب اطلاعات و خبر است؟

از مهمترین دغدغه‌هایی که وزارت اطلاعات داشته و دارد رعایت حقوق یکایک شهروندان است. به خصوص در سال‌های اخیر بیشترین تأکید روی آن صورت گرفته است. البته این به معنای نفی این مسأله در دوره‌های گذشته نیست ولی اقتضای شرایط جدید طبعاً توجه بیشتر به این نکته بوده است.

جناب وزیر هم در اکثر قریب به اتفاق اظهار نظرها و در بخشنامه‌های متعدد روی این نکته تأکید کرده‌اند که حتی در برخورد با معاندترین دشمنان هم باید اخلاق اسلامی و حرمت انسانی افراد مدنظر باشد و به بهانه کار اطلاعاتی به هیچ وجه وارد حریم خصوصی و آنچه که مجوز شرعی برای آن وجود ندارد نشویم و اگر احیاناً موردی هم اتفاق بیفتد که ناخواسته حقی از کسی ضایع شود ایشان بخش‌های مختلفی را مأمور برخورد، بازرسی و استیفای حقوق آن فرد کرده است. معاونت حقوقی یکی از آن دستگاه‌هاست. (البته عمدتاً آن چه که از ناحیه مجلس و نمایندگان مجلس به ما منتقل می‌شود).

بعضی‌ها مستقیماً با دفتر وزیر مکاتبه می‌کنند و ایشان ارجاع می‌دهد به بخش‌های مربوطه. یکی از مسؤلیت‌های معاونت حفاظت پی‌گیری شکایت‌هایی است که از بیرون (از ناحیه متهمین و کسانی که به نوعی با وزارت اطلاعات ارتباط داشتند) صورت می‌گیرد و احیاناً استیفای حقوقی که ضایع شده باشد.

معاونت بازرسی هم همین مسؤلیت را به گونه‌ای به عهده دارد و حتی بعضی از مشاورین وزیر هم از ناحیه وزیر مأموریت دارند که در موارد خاص و به صورت ویژه اقدام به بررسی بکنند.

● اگر شکایتی از این جهت وجود داشته باشد به کدام یک از این مراجع می‌توان مراجعه کرد؟

معاونت حقوقی یکی از دریافت‌کنندگان شکایت‌هاست و خود را موظف می‌داند پیگیری کند. معاونت بازرسی، معاونت حفاظت و خود جناب وزیر و دفتر وزیر هم همین‌طور. به هر صورت، هر بخش از سیستم به خصوص آن بخش‌هایی که نام بردم مسؤلیت دارند که پی‌گیری بکنند.

ما مدتها با مقوله‌ای به نام تروریسم مواجه بوده‌ایم. ما موظف بودیم که اطلاعات مربوط به خانه‌های تیمی، اهداف، برنامه‌ها و امکاناتی که تروریست‌ها در اختیار داشتند را گردآوری کنیم و در اختیار نیروهای عمل‌کننده قرار دهیم

● نکته دیگر اینکه با توجه به حساسیت درونی شخص وزیر و همکارانش شاید در داخل وزارت اطلاعات توجه به این مسأله خیلی جدی باشد ولی در بیرون این را مردم در کجا باید ببینند؟ بدون شک یکی از این جاها لوایحی است که می‌تواند از طرف وزارت اطلاعات به مجلس داده شود. فرض بفرمایید بحث حریم خصوصی یکی از آن بحث‌های جدی است که خلاء قانونی آن به شدت احساس می‌شود و وزارت اطلاعات از آن جاهایی است که به نحو جدی با مسأله حریم خصوصی مرتبط می‌شود. این دغدغه‌خاطری که احساس می‌شود در سال‌های اخیر به وجود آمده آیا در قالب لوایح و قوانین بروز و نمودی داشته است؟

واقع امر این است که ما مشکل جدی قانونی در این زمینه نداریم و قانونگذاران تقریباً بیشترین و در واقع اصلی‌ترین دغدغه‌شان رعایت حدود و رعایت حقوق مردم بوده است. اصول بسیاری از قانون اساسی و قوانین موضوعه بر این امر تأکید دارند که حریم‌های خصوصی افراد باید به طور کامل رعایت شود. در عین حال، در پاسخ سؤال شما عرض می‌کنم که ما تاکنون طرح و یا لایحه مستقیمی تحت عنوان «حریم خصوصی» نداشته‌ایم ولی در لوایحی که به گونه‌ای مربوط به حریم خصوصی افراد می‌شود مثل بخشی از قانون تعزیرات یا لوایح و طرح‌های موسوم به جرم سیاسی، منع شکنجه، شنود، انتخابات، مقررات استخدامی، حقوق ایرانیان مقیم خارج، مقوله ورود و اقامت و ممنوع‌الخروجی و امثال آن، وزارت اطلاعات و معاونت حقوقی آن، با رعایت غبطه حقوق شهروندی در کنار مسأله امنیت و منافع ملی، نقش به‌سزایی در ارایه پیشنهادها راهگشا داشته است و هم اکنون نیز از هیچ تلاشی در این زمینه فروگذار نمی‌کند. حتی در رابطه با حفظ این حقوق طی موادی قاطع در قانون استخدامی وزارت، کارکنان را مقید به رعایت قوانین و حدود شرعی کرده است و برای برخورد با تخلفات احتمالی سازوکارهایی را پیش‌بینی نموده است مثل معاونت حفاظت (که یکی از

وظایف آن برخورد با تخلفات احتمالی پرسنل می باشد)، دادگاه تخلفات اداری، و در نهایت، سازمان قضایی نیروهای مسلح که طبق مجوز حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری مسئولیت رسیدگی به جرایم احتمالی پرسنل وزارت اطلاعات را به عهده دارد.

● حراستها چگونه؟

در رابطه با حراست ها، طی سالهای گذشته بنا به پیشنهاد وزارت اطلاعات، تصمیمات و دستورالعملهای مختلفی از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی، در جهت تعریف شفاف وظایف حراستها و مقید کردن آنها به قانون، ابلاغ گردیده است و هم اکنون نیز حراست کل کشور در جهت قانونمند کردن امور و تقویت مدیریت سالم و برخورد قانونی با تخلفات، بحث های مختلفی را در دستور کار خود دارد که امیدواریم به زودی پیش نویس مناسبی را تهیه و به دولت و مجلس ارائه نماییم.

● به نظر می رسد معاونت حقوقی پشتوانه علمی و پژوهشی و اطلاعات تخصصی در این مباحث را داراست ولی هیچ کس در این موارد کارشناس تر از کارشناسان وزارت اطلاعات نیست. معاونت حقوقی و امور مجلس چه حساسیتی نسبت به این امور پژوهشی و نوشتن لوایح و پیشنهاد اصلاح قوانین دارد؟

ما به صورت مستمر بر روی مجموعه طرح ها و لوایحی که در دولت و در کمیسیون های مجلس مطرح است کار می کنیم. یعنی برای

رعایت توأمان «حقوق جامعه» و «حقوق فرد» به منزله دو بال لازم برای یک حرکت متعادل و متوازن، ضرورت همه زمان ها است و اعتقاد وسیعی ما بر این بوده و هست که هیچ نوع تضاد و تنافی بین رعایت این دو دسته از حقوق به وجود نیاید. ولی به اقتضای حکم عقل و «قاعدۀ اهم و مهم» اگر جایی تضاد جدی بین حقوق فرد و اجتماع وجود داشته باشد، مسلماً حقوق جمع مقدم خواهد بود

اظهار نظر به ما ارجاع داده می شود و ما موظف هستیم که با نگاه کارشناسی اینها را بررسی کنیم و نقطه نظرات خود را منتقل بکنیم (چه به صورت مکتوب و چه به صورت شفاهی و با حضور در کمیسیون های دولت و مجلس). بنابراین کار معاونت حقوقی در عرصه قوانین و مقررات در طرحهایی که مستقیماً به وظایف وزارت اطلاعات مربوط است خلاصه نمی شود بلکه قوانین و مقرراتی که در حوزه های مختلف مطرح است بررسی آن از جنبه امنیتی و از جهت رعایت حقوق مردم در بسیاری از موارد به عهده این وزارت خانه و این معاونت است و ما به پشتوانه کارشناسانی که در مجموعه وزارت (در بخشهای مختلف) وجود دارند. در این طرح ها و لوایح اظهار نظر می کنیم و نظراتمان را منعکس می کنیم. گرچه الزامی برای دستگاه های قانونگذار نیست که هر آنچه وزارت خانه پیشنهاد کرده را به تصویب برسانند ولی نوعاً پیشنهادهای ما راهگشاست و در دولت و مجلس مورد توجه قرار می گیرد.

در موارد خاصی هم - که طبیعتاً محدود خواهد بود - برای رفع برخی از خلاءهای قانونی در داخل سیستم خودمان، یا حتی خلاءهای مربوط به حوزه اطلاعات و امنیت کشور به تهیه بعضی لوایح اقدام می کنیم که از طریق دولت و مجلس مراحل تصویب را طی می کند.

● علاوه بر بررسی طرحها و لوایح، دیگر وظایفی که معاونت حقوقی بر عهده دارد چیست؟

مشخصاً ما چند مسئولیت مستقیم داریم. اولین وظیفه و مسئولیت که در حوزه معاونت حقوقی و امور مجلس تعریف شده، تنظیم مناسبات

حقوق

سیستم اطلاعاتی با مجلس و دولت است که اگر لازم باشد من اینها را به تفکیک و جدا جدا توضیح می دهم. وظیفه دیگر شناسایی خلاءهای قانونی و تهیه پیش نویس طرح ها و لوایح مناسب و دفاع از آنها در دولت و مجلس است. همچنین بررسی کارشناسی و اظهار نظر پیرامون طرح ها و لوایحی که دیگر دستگاه ها دارند و در دولت و مجلس مطرح می شود و در حدی که به وزارت ارجاع می شود یا وزارت در جریان آن قرار می گیرد یا به گونه ای مربوط به حوزه های تخصصی و مأموریتی وزارت است.

حوزه سوم مسئولیت های ما مربوط به استیفای حقوق وزارت - در آن جایی که احیاناً حقوق وزارت مورد تعرض قرار بگیرد - و استیفای حقوق شهروندان است، آن جایی که از طریق مجلس به ما ارجاع بشود (چه مستقیم از سوی نمایندگان مجلس و یا از طرف کمیسیون ها به خصوص کمیسیون اصل نود که ما بیشترین تعامل را با آن کمیسیون داریم). در حوزه دعاوی و حقوق بین الملل نیز مشارکت در تهیه دادخواست علیه جنایات آمریکا و ضدانقلاب و پی گیری حقوقی که حکومت ها و قدرت های بیگانه و ضدانقلاب از مردم و کشور ضایع کرده اند (چه در مجامع داخلی و چه در مجامع خارجی)، از جمله وظایف این معاونت می باشد، البته مسئولیت مستقیم در این زمینه بر عهده دیگران است؛ دستگاه قضایی، وزارت امور خارجه، دفتر خدمات حقوقی ریاست جمهوری، ستاد کل نیروهای مسلح و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی.

این دستگاه ها مجموعاً مسئولیت پیگیری دعاوی علیه جنایات آمریکا و کمک به شاکیان خصوصی را در قالب کمیته ای که در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی تشکیل می شود به عهده دارند که ما هم از اعضای آن کمیته هستیم.

بررسی معاهدات و کنوانسیون ها و موافقتنامه های منطقه ای و بین المللی از جهت منافع و مضار پیوستن یا عدم پیوستن به آنها و الزاماتی که متوجه ما می کند از نظر اطلاعاتی و امنیتی به عهده ماست. گرچه واحدهای دیگر هم در این خصوص مسئولیت دارند و بیشترین مسئولیت هم متوجه وزارت امور خارجه است.

یکی دیگر از حوزه های مسئولیت این معاونت ارتباط با اعضای جامعه اطلاعاتی و پاسخگویی به نیازهای آن ها و تأمین نیازهای وزارت از آنها و رفع مشکلاتی است که احیاناً در تعامل بخش های مختلف وزارت با اعضای جامعه اطلاعاتی پیش می آید.

● منظور از جامعه اطلاعاتی چیست؟

جامعه اطلاعاتی عبارت است از وزارت اطلاعات به عنوان سازمان اصلی و مادر، واحدهای اطلاعات و ضداطلاعات سپاه، ارتش و نیروی انتظامی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

● تاکنون ما بیشتر روی شناسایی خلاءهای قانونی متمرکز شدیم هر چند باز ابهاماتی وجود دارد. یک سری خلاءها و نواقصی هم که ممکن است وجود داشته باشد مربوط به ساختارهاست. اما نکته ای که شاید خیلی اهمیت دارد مسایل ماهوی کاری است. فرض بفرمایید وقتی می گوئیم حریم خصوصی افراد باید رعایت شود واقعاً از حریم خصوصی چه تعریفی داریم؟

ممکن است در خصوص افراد در داخل وزارت اطلاعات دستورالعمل هایی داشته باشید ولی ما بسیاری از «قوانین» مربوط به وزارت اطلاعات را نیز با مهر محرمانه می بینیم و شاید در اختیار مردم نباشد تا چه برسد به آن دستورالعمل ها. این محور به ویژه مباحث ماهوی که وزارت اطلاعات و پرسنل آن تا کجا حق دارند پیش بروند این را مردم چگونه باید مطلع بشوند؟

اطلاع مردم طبیعتاً به مراجعه به متون قانونی و مراجعی که باید اطلاعات در این خصوص را در اختیار بگذارند حاصل می شود. البته این ضعف را می پذیریم که در تعامل با مردم از روابط عمومی قوی برخوردار

نموده‌ایم. به همین دلیل اخیراً وزارت در صدد ایجاد یک دیدارگاه اینترنتی به نام خودش برآمده است و روابط عمومی در این عرصه‌ها فعال‌تر برخورد می‌کند.

گرچه اطلاع‌رسانی به مسئولین نظام در سطوح مختلف به صورت روزانه و در سطح وسیعی - در قالب بولتن‌های خبری و تحلیلی - انجام می‌گیرد. منتهی درباره عامه مردم این نقص مطرح بوده و هست و الان در صدد هستیم که بیشتر با مردم صحبت کنیم.

البته توجه دارید که بحث ورود به حریم خصوصی افراد و احیاناً تعدی به آن چیزی نیست که فقط در عرصه وزارت اطلاعات مصداق خارجی داشته باشد و باید موضوع در سطح ملی مورد توجه بیشتر قرار گیرد و شاید جای آن در قانون امنیت ملی باشد.

● بیشتر از سایر دستگاه‌ها ...؟

نه الزاماً اینطور نیست. نیروی انتظامی هم به دلیل اینکه مسئولیت برخورد با جرایم اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی را دارد ممکن است بیشتر از مادر معرض چنین آسیبی باشد. دستگاه قضایی مستقیماً با چنین مسأله‌ای روبروست و دستگاه‌های دیگر.

بنابراین قوانین عامی وجود دارد که همه دستگاه‌ها را ملزم می‌کند به رعایت حریم خصوصی افراد، به اضافه پیام ۸ ماده‌ای حضرت امام که فصل الخطاب این حوزه می‌باشد و مهم‌تر از همه اینکه ما از خطوط اصلی‌ای که اسلام ترسیم کرده نمی‌توانیم تعدی کنیم و یکی از بدیهی‌ترین اصول عملی در اسلام «ممنوعیت ورود به حریم خصوصی افراد» می‌باشد.

این اصول مستمراً در بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های داخلی ما مورد تأکید قرار گرفته است. قوانین کلی آن هم که وجود دارد؛ قانون مجازات اسلامی، قوانین کیفری و قوانین مدنی که تقریباً قوانین بسیار مترقی و جامعی هستند. کاستی جدی در این عرصه نداریم ولی شاید لازم باشد قانون مستقلی نیز تحت این عنوان تهیه شود که جای مطالعه دارد.

● برای بحث حریم خصوصی در بسیاری از کشورها قانون وجود دارد. به نظر شما حریم خصوصی یعنی چه و حد و مرز چیست؟ ما یک کمبود جدی‌تر داریم که در واقع حریم خصوصی و عمومی را مشخص نکند. خطوط قرمز را در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی ترسیم کند و مناسبات حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان و حقوق متقابل آنها را با یکدیگر کاملاً شفاف و برجسته بکند یک چنین چیزی مورد نیاز هست و آن قانون امنیت ملی است و ما هم دنبال این هستیم که گام‌هایی در این زمینه برداریم. البته علی‌القاعده شورای عالی امنیت ملی و دبیرخانه آن شورای امنیت کشور و یا حتی خود مجلس هم می‌توانند چنین مسئولیتی را به عهده بگیرند اما ما هم که متولی سیستم اطلاعاتی کشور هستیم خود را موظف می‌دانیم که حداقل پیش‌نویسی در این مورد تهیه بکنیم.

● لوایحی که از جانب وزارت تهیه می‌شود تا چه اندازه مبتنی بر روش‌های علمی و به ویژه پژوهش‌ها و استفاده از نظرات صاحب نظران حقوقی و اساتید دانشگاهی است؟

وقتی نمایشگاه‌هایی از آثار و محصولات وزارت تشکیل می‌شود و مسئولین در سطوح مختلف می‌آیند از نمایشگاه بازدید می‌کنند از حجم وسیع کارهای پژوهشی که در وزارت انجام می‌شود، دچار تعجب و شگفتی می‌شوند. ما یک دانشکده داریم که مسئولیت عمده‌اش به روز نگه داشتن پژوهش‌های علمی و نظرات به هنگام در عرصه‌های مختلف و به خصوص عرصه‌های مربوط به کار ماست. هدف سرویس اطلاعاتی، تأمین امنیت در کلیه سطوح می‌باشد. هیچ امنیتی نیست که بر پایه اطلاعات استوار نباشد. تنها از رهگذر اطلاعات دقیق و همه‌جانبه از توطئه‌های دشمن، از طرح‌های پنهان و دسیسه‌هایی که ممکن است برای براندازی نظام یا اخلال در بخشی از اهداف و سیاست‌های نظام صورت بگیرد، امنیت تأمین می‌گردد

● حوزه معاونت حقوقی به طور خاص چه پژوهش‌هایی انجام می‌دهد؟

معاونت حقوقی این بحث و این دغدغه را همواره داشته که آیا لازم است در کنار این مؤسساتی که در اختیارش هست بخش مستقلی هم وابسته به خودش داشته باشد یا نه؟ هنوز به این ضرورت نرسیده‌ایم. من بعد از گفتگو با شما، با یکی از پژوهشگرانی که مسئولیت مطالعات راهبردی را بر عهده دارد جلسه‌ای دارم و برخی از نیازهایمان را از آن طریق پی‌گیری می‌کنیم و یا دو روز قبل با شورای دانشکده خودمان جلسه داشتیم و برخی از نیازهای پژوهشی مان را با آنها مطرح کردیم. علاوه بر آن با نهاد ریاست جمهوری، اداره کل پژوهش و اطلاع‌رسانی و سایر مراکز، ارتباط داریم و سعی می‌کنیم برخی از نیازهایمان را از آن طریق تأمین بکنیم.

به هر صورت اعتقاد راسخ به اینکه اظهار نظرها و تصمیمات باید مبتنی بر کارشناسی دقیق و عملی باشد وجود دارد و عملاً هم به آن پایبند هستیم. نه فقط در عرصه مسایل حقوقی بلکه در سایر عرصه‌ها هم همین طور است؛ در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، در عرصه مقابله ضدانقلاب، در عرصه فرهنگی و اجتماعی و در عرصه سیاسی.

● آیا کارشناسان و نیروهایی که معاونت حقوقی از آنها بهره می‌برد افراد تحصیل کرده حقوقی هستند؟

قطعاً. البته این طور نیست که همه کسانی که در این معاونت مشغول

بررسی معاهدات و کنوانسیون‌ها و موافقتنامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جهت منافع و مضار پیوستن یا عدم پیوستن به آنها و الزاماتی که متوجه ما می‌کند از نظر اطلاعاتی و امنیتی به عهده ماست. گرچه واحدهای دیگر هم در این خصوص مسئولیت دارند و بیشترین مسئولیت هم متوجه وزارت امور خارجه است.

خدمت هستند مدرک حقوقی داشته باشند ولی همه نگرش حقوقی دارند. غیر از این ما سعی کرده‌ایم با دوستانی که صاحب مدرک تخصص حقوقی بوده و در بخش‌های مختلف وزارت هستند یک ارتباط سیستماتیک داشته باشیم و نیازهایمان را به صورت موردی از طریق نیروهای صاحب نظر خارج از معاونت پی‌گیری کنیم.

● در واقع اصل تخصص‌گرایی را در عرصه معاونت حقوقی دنبال کرده‌اید.

همینطور است. ارتقای دانش حقوقی افراد و آشنایی با قوانین و مقررات و تهیه کتاب‌هایی در این زمینه و آزمون گرفتن از نیروها در این عرصه، جزء برنامه‌های ثابت همه ساله ماست. نوع نیروهایی که در این معاونت هستند غالباً سابقه پانزده سال در این کار دارند و زبده هستند.

● اساساً معاونت حقوقی و امور مجلس یک وزارتخانه را چطور تعریف می‌کنید؟ و چه جایگاهی برای آن قائل هستید؟

بستگی به نوع نگاهی که آن دستگاه اولاً، به مجلس و ثانیاً، به قانون دارد، فرق می‌کند. در وزارت اطلاعات ما برای مجلس اعتبار بالایی قائل هستیم و از جمله وزارت خانه‌هایی هستیم که نمایندگان مجلس، نوعاً ما را به عنوان وزارت پاسخگو می‌شناسند. درباره تطبیق کارکرد بخش‌های مختلف با قانون بیشترین اهتمام را داریم تا از حدود قانون تخطی نشود. ما حتی درباره تطبیق بخشنامه‌ها با قانون حساسیت به خرج می‌دهیم که در بخشنامه‌ها از حدود قانون تخطی نشود. حتی اگر

معاونت‌های ستادی و سیاستگذار وزارت تصمیم گرفته باشند و در حال بخشنامه کردن یا اقدام باشند ولی در بررسی‌های ما معلوم شود خلاف قانون است تذکر می‌دهیم و جلوی آن را می‌گیریم.

بنابراین اگر از این منظر نگاه کنیم، طبیعتاً معاونت حقوقی و امور مجلس جایگاهش رفیع و بسیار حیاتی و تأثیرگذار خواهد بود. به هر میزان که در تعامل بین دستگاه و مجلس کم توجه بوده و به هر میزان که در تطبیق کارکردها و سیاست‌ها با قوانین و مقررات جاری کمتر سخت‌گیری کنیم، به همان میزان باید از اهمیت این جایگاه بکاهیم. چه بسا در چنین شرایطی، معاونت حقوقی و امور مجلس در بعضی دستگاه‌ها به اسمی بی‌محتوا تبدیل شود.

● نظر خود شما این است که ...؟

بنده اعتقاد دارم که معاونت حقوقی و امور مجلس جایگاه مهمی دارد به خصوص در وزارت اطلاعات. هم در پیگیری نیازهای قانونی بخش‌های مختلف خود سیستم اطلاعاتی، هم در بررسی طرح‌ها و لوایح و اظهارنظر کارشناسی، هم در به خدمت گرفتن عقبه کارشناسی وزارت در کمیسیون‌های دولت و مجلس برای برابری کردن قوانین و مقرراتی که در حوزه‌های مختلف در دستور کار دولت و مجلس است، هم در دفاع از حقوق مردم (در آن جایی که احساس می‌شود حقوق مردم دستخوش تعرض و تعدی قرار گرفته)، هم در دفاع از حقوق کلان جامعه و کشور (آن جایی که چه از طریق قوانین و تصمیمات، چه از

طبیعتاً معاونت حقوقی ریاست جمهوری حوزه گسترده‌تری را دارد چون به گونه‌ای باید به مجموعه موضوعات پوشش بدهد. ولو این پوشش از رهگذر هماهنگی و گرفتن نظرات دستگاه‌های مختلف باشد این یک نقش است.

نقش دیگری که از معاونت حقوقی ریاست جمهوری انتظار می‌رود و علی‌القاعده وجود دارد ایجاد هماهنگی و انسجام بین مجموعه واحدهای حقوقی دستگاه‌های دولتی است و توجه کلان به نیازمندی‌ها و مشکلات واحدهای حقوقی دستگاه‌های مختلف دولتی و احیاناً تهیه آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که بتواند ناظر به این بخش از مشکلات یا نیازمندی‌ها باشد. از این جهت معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری طبیعتاً از اهمیتی فوق‌العاده و فراتر از آنچه که در دیگر دستگاه‌ها شاهد هستیم برخوردار است.

● ارزیابی شما از نوع عملکرد معاونت حقوقی ریاست جمهوری در همین زمینه که اشاره داشتید چیست؟

به خصوص در سال‌های اخیر به این مقولات جدی‌تر پرداخته شده است. یکی از نمونه‌هایی که می‌توان مثال زد تشکیل جلسات شورای معاونت پارلمانی است که علی‌القاعده هر پانزده روز یکبار باید تشکیل بشود. به هر صورت یکی از نمونه‌هایی که می‌توان ارایه داد فعالتر شدن این بخش در دوره اخیر است. در گذشته چنین جلساتی به ندرت برگزار می‌شد.

همچنین نشست‌های مشترکی بین دولت و مجلس سامان می‌گیرد که متولی آن معاونت حقوقی ریاست جمهوری است. در گذشته هم کم و بیش این نشست‌ها بوده و در این دوره سامان یافته تر انجام می‌گیرد.

مطالعات حقوقی و به خصوص فعال کردن بخش پژوهشی و راه‌اندازی همین مجله حقوقی (اطلاع رسانی) از کارهای خوبی است که در این دوره سامان گرفته و حکایت از نوعی پویایی و تحرکی بیش از گذشته در این مجموعه دارد.

● یکی از زمینه‌هایی که شاید چندین سؤال درباره آن مطرح بود ولی کمتر توانستیم به آن برسیم، شناسایی خلاءهای قانونی و مسایلی از این دست در حیطه معاونت حقوقی است. آیا خلاء قانونی و نقص قانونی داریم؟ اگر داریم آیا اقداماتی صورت گرفته یا نه و ارزیابی خودتان از این بحث چیست؟

با مراجعه به بحث‌هایی که در آستانه تصویب قانون وزارت اطلاعات در مجلس شورای اسلامی در سال ۶۲ مطرح شده به خوبی معلوم می‌شود که تمرکز کار اطلاعاتی در وزارت اطلاعات با یک سلسله مقاومت‌ها و یک سلسله نقطه نظرات مخالف روبرو بوده است و همچنان هم هست. لذا در دوره‌های مختلف گزینه‌هایی متفاوت از آن چه به نام وزارت اطلاعات به عنوان «سیستم مادر» اطلاعات تصویب شده و عمل می‌کند در بین مسئولین و در سطوح عالی مطرح بوده است. چه بسا جلسات و گفتگوهای فراوانی هم در دوره‌های مختلف در این جا انجام گرفته و نهایتاً هیچ گزینه‌ای بر گزینه فعلی و گزینه مصوب ترجیح داده نشده است. گرچه آن گزینه‌ها هم خالی از نقاط قوت نیست و چه بسا با برخی از آن گزینه‌ها برخی از ضعف‌های فعلی سیستم اطلاعاتی را بتوان جبران کرد ولی در نهایت آن چه که در ترازوی ارزیابی و تقنین قرار گرفته کفه وزارت اطلاعات - با این تعریفی که قانونگذار اولیه از آن کرده - ترجیح داده شده است. عرض کردم که ما با شکل‌گیری وزارت اطلاعات به مقتضای روحیه انقلابی و اهداف و آرمانی‌هایی که تعقیب می‌کردیم و نگاهی که به حکومت و به حقوق حکومت‌شوندگان داشتیم، شاهد یک نوع تحول جدی در ساختار سیستم اطلاعاتی کشور بودیم. طبیعتاً بحث‌هایی که در دوره تصویب قانون وزارت اطلاعات در مجلس مطرح شده فقط در عرصه نظر بروز نیافته و گاه در عرصه عمل هم خود را نشان داده‌اند.

ما یک کمبود جدی‌تر داریم که در واقع حریم خصوصی و عمومی را مشخص بکند. خطوط قرمز را در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی ترسیم کند و مناسبات حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان و حقوق متقابل آنها را با یکدیگر کاملاً شفاف و برجسته بکند یک چنین چیزی مورد نیاز هست و آن قانون امنیت ملی است و ما هم دنبال این هستیم که گام‌هایی در این زمینه برداریم

طریق تحرکات ضدانقلاب قرار است این حقوق مورد تعرض قرار بگیرد) و هم در تنظیم مناسبات با مجلس و پاسخگویی به مطالبات نمایندگان و شکایاتی که از طریق کمیسیون اصل نودم قانون اساسی وارد سیستم ما می‌شود. این‌ها بخشی از عرصه‌هایی است که اهمیت این جایگاه را نشان می‌دهد.

● نقش معاونت حقوقی ریاست جمهوری را چطور ارزیابی می‌کنید؟

یک بخش از مسئولیت معاونت حقوقی ریاست جمهوری هم مثل دیگر معاونت‌های حقوقی، پاسخگویی به نیازهای داخلی خود نهاد، عرضه قوانین و مقرراتی که مطرح است و تصمیماتی که دولت یا نهاد ریاست جمهوری می‌خواهد بگیرد می‌باشد که طبیعتاً گسترده‌تر از دیگر واحدهای حقوقی است (غیر از وزارت اطلاعات). چون از ما در همه عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی، خارجی و داخلی نظر خواسته می‌شود و ما باید پاسخگو باشیم و اتفاقاً یکی از هنرهای معاونت حقوقی و امور مجلس در وزارت اطلاعات همین است که بتواند عقبه کارشناسی وزارت را - که بسیار هم پرتوان و نیرومند است - در اختیار کمیسیون‌های دولت و مجلس و بحث‌های کارشناسی موجود در کشور بگذارد ولی دیگر وزارتخانه‌ها مسئولیتشان محدود می‌شود به همان حوزه خاص تخصصی خودشان.

در مقایسه بین معاونت حقوقی ریاست جمهوری با دیگر وزارتخانه‌ها،

به خصوص که به هر صورت دستگاه‌هایی غیر از وزارت اطلاعات از ابزار اطلاعاتی و اهداف اطلاعاتی - ولو برای حوزه‌ای خاص - برخوردار هستند و طبیعتاً کسی که امکاناتی در اختیار دارد امکان این که گاهی هوس کند خارج از حوزه فعالیت خود نیز این ابزار را به کار بگیرد برایش ایجاد می‌شود. به خصوص اگر ما به اطلاعات به عنوان ابزار قدرت نگاه بکنیم که البته همه سعی قانونگذار بر این بوده که این ابزار قدرت در اختیار شخص و اهداف شخصی قرار نگیرد و کاملاً در چارچوب سیستم و اهداف نظام به کار گرفته شود. بنابراین ما به صورت طبیعی و در طول سال‌های بعد از تصویب قانون وزارت اطلاعات با یک سلسله چالش‌های محدود روبرو بوده‌ایم و هستیم. این از یک سو. از سوی دیگر، تحولاتی که در وضعیت کشور در دوره‌های مختلف به وجود آمده و تحولاتی که در عرصه بین‌المللی رخ داده منجر به این شده است که تعریف‌های جدیدی از سیستم اطلاعاتی و کارکردهای آن ارایه بشود. شما می‌دانید در سال‌های اخیر یکی از موضوعات جدی‌ای که در دستگاه‌های اطلاعاتی مورد بحث و گفتگو بوده است بازنگری در اهداف، وظایف، مسئولیت‌ها و حتی ابزارهای کار اطلاعاتی است که سیستم اطلاعاتی ایران هم نمی‌توانست از این وضعیت مستثنی باشد و متناسب با این تحولات، تغییراتی در گفتمان، ابزار و شیوه‌های کاری خود ایجاد کرده است که دستمایه افراد برای بعضی فعالیت‌های اطلاعاتی به سبک و سیاق گذشته شده است. این عوامل به اضافه فضایی که به خصوص در سال‌های اخیر ایجاد شد و به نوعی بی‌اعتمادی بین دستگاه‌های حکومتی نسبت به همدیگر دامن زد و همچنین اختلاف نگاه و سلاطینی که وجود دارد و ضرورت حفظ امنیت و جهت‌گیری‌هایی که به این مسأله کمک می‌کند، دست به دست همدیگر داده و چه بسا به پاره‌ای از فعالیت‌ها که از آن به عنوان «فعالیت‌های موازی اطلاعاتی» یاد می‌شود، منجر شده است.

منتهی نکته‌ای که وجود دارد این است که اولاً، هیچ‌کس به انجام چنین فعالیتی به طور رسمی ادعایی ندارد و ثانیاً، در عمل هم هیچ دستگاهی قادر به انجام کارهایی که وزارت اطلاعات مسؤلیت انجامش را دارد نیست و اگر وارد شود هم کار را و هم خودش را خراب می‌کند و مجبور است عقب نشینی کند.

اشاره به عوامل یاد شده به این معنا نیست که ما مشکل قانونی نداریم یا قوانین موجود بهترین قانون برای شرایط فعلی هستند. چه بسا که خود ما هم به عنوان متولی «سیستم اطلاعاتی مادر» این داعیه را داشته باشیم که متناسب با شرایط جدید یک سلسله تغییرات در قوانین موجود ایجاد بکنیم. گرچه دغدغه جدی‌ای از رهگذر فعالیت‌های موازی اطلاعاتی وجود ندارد (به دلیلی که اشاره کردم و به دلیل این که به هر صورت اگر خطر جدی‌ای بخواهد از این رهگذر کیان نظام را تهدید کند مسئولین دلسوز ما قطعاً جلوی آن را خواهند گرفت)، اما شاید الان که برمی‌گردیم به قانون تأسیس وزارت اطلاعات و به خصوص به قانون تمرکز اطلاعات که در سال ۶۸ در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده احساس می‌کنیم که این قوانین با توجه به شرایط آن دوره شکل گرفته است و شاید الان بخشهایی از آن قابل اجرا نباشد و ناگزیر هستیم که تغییراتی در آن ایجاد بکنیم.

از این جهت این دغدغه را داریم که یک نگرش دقیق و علمی و کارشناسی و منطبق با مصالح نظام و منافع کلان ملی به قوانین موجود داشته باشیم و تغییراتی که متناسب با این شرایط و واقعیت‌های جامعه لازم می‌دانیم قانونمند بکنیم. نکته مهم این است که اولاً، به فعالیت‌های اطلاعاتی سامان بدهیم و هر کس هر کار می‌کند همراه با مسؤلیت‌پذیری و پاسخگویی باشد و ثانیاً، کاری خارج از حدود قوانین انجام نگیرد.

● پس به هر حال شما هیچ نقص قانونی در این مسایل نمی‌بینید؟
عرض کردم ما الان و به ویژه به قانون تمرکز اطلاعات نگاه می‌کنیم

احساس می‌کنیم بخش‌هایی از آن قانون در این شرایط اجرایی نیست والا نقص قانونی به این معنا که خلاء یا ابهامی در حیطه مسؤلیت و وظایف هر دستگاه اطلاعاتی وجود داشته باشد، چنین چیزی وجود ندارد. قوانین موجود کاملاً شفاف است هم نسبت به مسؤلیت‌های وزارت اطلاعات و هم نسبت به مسؤلیت‌های سپاه و ارتش و نیروی انتظامی و قوه قضاییه و دیگران.

● در مقولاتی مثل برخورد کیفری با مسایل ضد امنیتی نظیر جاسوسی ظاهراً دو دیدگاه در کشور وجود دارد. یکی این است که نظرات وزارت اطلاعات قاطع است و به عنوان یک کارشناس رسمی نظام محسوب می‌شود که می‌تواند در آن زمینه حرف آخر را بزند و دیدگاه دیگر این است که نظر وزارت یک نظر است و قاضی در این زمینه‌ها باید به نظر خودش برسد؟

این یکی از بحث‌های جدی است که به نظر ما در این جا ضعف قانون داریم و یک پیش‌نویس هم تهیه کرده‌ایم که انشاءالله بزودی از طریق مجلس یا دولت در مجرای تصویب قرار می‌گیرد. ما معتقدیم وزارت اطلاعات از نظر قانونی باید به عنوان کارشناس امنیتی کشور شناخته شود و حداقل نظریه کارشناسی آن الزاماً روی هر پرونده‌ای باشد. این که آیا قاضی موظف است به این نظر عمل کند یا نه، حرف دیگری است. همچنان که نظریه پزشکی قانونی و یا نظریه سازمان نظام پزشکی در مورد تخلفات پزشکان، به تصمیم‌گیری صحیح و واقع‌بینانه قاضی کمک می‌کند بدون آنکه او ملزم به پذیرش آن باشد. به نظر ما این نقیصه

نقش دیگری که از معاونت حقوقی ریاست جمهوری انتظار می‌رود و علی‌القاعده وجود دارد ایجاد هماهنگی و انسجام بین مجموعه واحدهای حقوقی دستگاه‌های دولتی است و توجه کلان به نیازمندی‌ها و مشکلات واحدهای حقوقی دستگاه‌های مختلف دولتی و احیاناً تهیه آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که بتواند ناظر به این بخش از مشکلات یا نیازمندی‌ها باشد

وجود دارد و ما در صدد جبران آن هستیم.

● سؤال آخر اینکه آیا وزارت اطلاعات خود را ضابط قوه قضاییه می‌داند یا نه و اگر خود را ضابط قوه قضاییه نمی‌داند و ضابط قضایی نیست برخی از بازداشت‌ها و مسایلی از این قبیل چطور توجیه می‌شود آیا قانون خاصی در این باره هست؟

ما معتقد هستیم که باید در بعضی از عرصه‌های مشخص و تعریف شده - و نه به صورت کامل - از شونات و امتیازات یک ضابط برخوردار باشیم. چون بخش کوچکی از نیروهای وزارت اطلاعات در عرصه‌هایی فعالیت می‌کنند که نیاز به این اختیارات دارند. در قوانین موجود چنین عنوانی که از نیروهای وزارت اطلاعات به عنوان ضابط دستگاه قضایی نام برده شده وجود ندارد.

طبیعتاً استفاده از اختیارات یک ضابط بعضاً با مشکلاتی روبرو می‌شود که در مواقع لزوم با احکام خاصی از سوی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری حل شده است. اگر در جایی اقدام به بازداشت یک متهم شود براساس مجوز قضایی و حکم خاص انجام می‌گیرد و خارج از این چارچوب نمی‌توان اقدام به بازداشت کسی کرد. به عبارت دیگر، در وزارت اطلاعات هیچ اقدامی در رابطه با حقوق افراد و در برخورد با متهمین صورت نمی‌گیرد الا این که باید مبتنی بر یک حکم از قاضی واجد شرایط باشد. ■